



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۴/۰۴

یونس نگاه

زوال اخلاق در حاکمیت طالبانی

رویاریویی روایت‌ها در عرصه‌های گوناگون جریان دارد؛ اما تعدادی تقابل دیدگاه‌های اقتصادی را عمده می‌دانند و عده‌ای رویاریویی در عرصه فرهنگ، سیاست و یا اخلاق را بنیادی می‌خوانند. طالبان و محافظه‌کاران نزدیک به آن گروه، مدعی برتری در دین و اخلاق‌اند، منازعات افغانستان را تعبیر اخلاقی می‌کنند و می‌گویند کلید کامیابی در همه عرصه‌ها از جمله اقتصاد و سیاست و فرهنگ، در پخته‌گی دینی و اخلاقی نهفته است. آنان پیروزی نظامی کنونی خود را حاصل عقب‌ماندگی جامعه، فقر، ناتوانی عمومی در ایستادگی علیه تروریسم، معامله با بیگانگان و توافق دوحه نمی‌دانند، بلکه مدعی‌اند که با برتری اخلاقی غالب شده‌اند و با همین ادعا، از مسوولیت‌پذیری در اقتصاد، سیاست و فرهنگ شانه خالی می‌کنند. از زبان رهبران‌شان بارها شنیده‌ایم که ماموریت امارت طالبان ترویج دین‌داری و ارزش‌های اخلاقی است، نه توسعه اقتصادی، تسهیل فرصت‌های شغلی و تامین آزادی‌ها.

باری یکی از بزرگان طالب با صراحت گفت که آنان اگر آزادی و پیشرفت می‌خواستند، جهاد نمی‌کردند. سخن مشهور ملا حسن، رئیس‌الوزرای طالبان، که گفته بود دادن روزی مسوولیت طالبان نیست و مردم باید روزی را از خدا بخواهند، چکیده دیدگاه آن گروه نسبت به حاکمیت است. تلاش رهبری طالبان برای تربیت انتحاری و جنگ‌جوی بیشتر، ترویج جهادگرایی به بهانه پاسداری از اخلاق و تکثیر دین‌داری انجام می‌شود؛ اما در عمل، نام طالبان با زوال اخلاقی گره خورده است. هرچا پای طالبان می‌رسد، معیارهای اخلاقی پذیرفته‌شده جامعه لگدمال می‌گردد، حریم خصوصی بی‌معنا می‌شود، حقوق فردی و آزادی‌های مدنی رخت می‌بندد و سرکوب سیاسی و گرسنه‌گی به رشته‌های خانوادگی و اجتماعی آسیب جدی می‌رساند. از زمانی که طالبان دوباره به قدرت رسیده‌اند، خیرهای ناگوار از فروش اعضای بدن، فروش فرزندان، ازدواج‌های اجباری، اعدام صحرائی، کوچ اجباری، تعصب و شکنجه به‌شدت افزایش یافته است. طالبان گویا جامعه را چون مدرسه‌ای می‌خواهند که در آن اطاعت و پیروی بی‌چون‌وچرا حاکم است و سکوت و تحمل مهم‌ترین ویژگی دین‌داری و اخلاق می‌باشد. آنان حتا در درون دستگاه خود نیز پرسش‌گری و انتقاد را غیراخلاقی می‌دانند و بارها اعلام کرده‌اند که اطاعت و لب‌بستن شرط اصلی امارتی بودن است. همان سکوت و اطاعت را، بی‌چون‌وچرا، از همه ساکنان افغانستان می‌خواهند. اما میان مقام‌ها و معاش‌بگیران طالبانی و مردم تفاوت‌های بسیار است. آنان صاحب قدرت‌اند، در منصب خود از آزادی‌ها و امتیازات بسیار برخوردارند و برای حفظ آن امتیازات اگر سکوت و اطاعت پیشه کنند، دور از انتظار نیست. آن سکوت و اطاعت تاکتیکی سیاسی است و در چوکات انضباط گروهی برای تداوم قدرت ممکن نزد خودشان توجیه‌پذیر شود. اما رابطه حاکمان و مردم را نمی‌توان تنها به اطاعت و سکوت

در برابر همه ناملایمات، ستم و تبعیض، گرسنه‌گی و محرومیت تحمیلی محدود کرد و آن را اخلاقی خواند. در درون جامعه آشوب اخلاقی دردناک و زوال جبران‌ناپذیری جریان دارد. این زوال به‌خصوص در رفتار گروه طالبان با مردم به‌صورت عریان دیده می‌شود. برخورد زشت با شهروندان در امارت آن گروه به امری عادی بدل شده است. دشنام و بدرفتاری با مراجعان در دفاتر طالبان، دیگر کسی را متعجب نمی‌کند. در روزهای اخیر ویدیوهای بدرفتاری پولیس اخلاق و نظامیان آن گروه در رسانه‌ها نشر شده است که نشان می‌دهد آنان به هر بهانه‌ای و بسیار به‌سادگی و طنداران ما را سیلی‌کاری و توهین می‌کنند.

خلاف آن‌چه طالبان تبلیغ می‌کنند، آنان نه‌تنها برتری اخلاقی بر رقیبان سیاسی خود ندارند، بلکه ناکامی‌های‌شان در این عرصه جدی‌تر از عرصه‌های تعلیم و اقتصاد است. اصولاً اخلاق در فقدان رفاه، آگاهی و آزادی نمی‌تواند شکوفا شود و حاکمیت گروه ضد آموزش، کار و آزادی، اقت اخلاق است.